

انتخابات ۲۰۲۲ لبنان؛ شرایط، ویژگی‌ها و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای

حسین آجرلو^۱

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و سوم، شماره ۱، پیاپی ۸۹، بهار ۱۴۰۱؛ صفحات ۱۶۳ - ۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

چکیده

انتخابات لبنان به دلیل تأثیرگذاری داخلی و خارجی آن، همواره از اهمیت زیادی برای بازیگران داخلی لبنان و نیز بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار بوده است. این انتخابات اگرچه با توجه به ساختار سیاسی پارلمان محور و همچنین ساختار دولت ضعیف و جامعه شبکه‌ای قوی، بستری مناسب برای نمایش قدرت احزاب و جریان‌های داخلی و همچنین بازیگران خارجی متحد این احزاب و جریان‌های لبنانی محسوب می‌شود؛ ولی قدرت ایجاد تغییرات ساختاری را در تقسیم قدرت ندارد و می‌بایست با درک این واقعیت به تحلیل آن پرداخت.

این مقاله تلاش دارد با توجه به برگزاری انتخابات ۲۰۲۲ در این کشور، به این پرسش پاسخ دهد که شرایط و ویژگی‌های خاص و پیامدهای این انتخابات چیست. به نظر می‌رسد مهم‌ترین شرایط و ویژگی‌های خاص این دوره از انتخابات عبارت‌اند از: برگزاری انتخابات در وضعیت اقتصادی بحرانی، تداوم انسجام درونی گروه‌های مقاومت و ازهم‌گسیختگی جریان رقیب، مشارکت اهل سنت بدون مرجعیت سیاسی، نتایج تعیین‌کننده رقابت مسیحی - مسیحی، افزایش تحرک گروه‌های مدنی و مستقل، تشدید نقش مخرب خارجی و تداوم تعلق سیاسی. پیامدهای ناشی از نتایج انتخابات نیز شامل موارد زیر می‌شود: تثبیت جایگاه محور مقاومت در لبنان به‌رغم تشدید تخریب‌ها، تداوم وضعیت بحرانی لبنان، کاهش مشروعیت سیاست‌مداران کنونی لبنان، تداوم حضور نخست‌وزیران با پشتوانه ضعیف سیاسی، تشدید شکاف سیاسی، تقویت جریان سوم و افزایش تحرکات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی علیه مقاومت.

واژگان کلیدی

لبنان، انتخابات ۲۰۲۲، دولت ضعیف، جامعه شبکه‌ای، محور مقاومت

۱. پژوهشگر مطالعات منطقه غرب آسیا و مدیر گروه غرب آسیا و شمال آفریقا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: Hoajorloo@yahoo.com

مقدمه

انتخابات سراسری لبنان در ۱۵ می ۲۰۲۲ میان احزاب، جریان‌ها و افراد مستقل برای کسب کرسی‌های ۱۲۸گانه برگزار شد. بر اساس اعلام دولت لبنان، در این انتخابات ۵۸۳ نامزد در قالب ۷۷ لیست در ۱۵ حوزه انتخاباتی رقابت می‌کردند.^۱ بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، جریان هشت مارس نزدیک به محور مقاومت با مجموع ۶۱ کرسی، شامل فهرست‌های مشترک جنبش حزب‌الله، جنبش امل و متحدان نزدیک آن با ۴۱ کرسی و فهرست‌های جریان آزاد ملی و متحدان نزدیک آن با ۲۰ کرسی بیشترین کرسی‌ها را در این انتخابات کسب کردند. رقیب اصلی جریان هشت مارس، یعنی جریان چهارده مارس با مجموع ۴۱ کرسی شامل: فهرست‌های نیروهای لبنانی و متحدانش با ۲۰ کرسی، فهرست‌های حامیان حزب المستقبل با ۷ کرسی، فهرست‌های حزب کتائب و متحدان آن با ۶ کرسی و فهرست‌های حزب سوسیالیست مترقی با ۸ کرسی نتوانست موفقیت چشمگیری کسب کند. مستقلین با ۱۳ کرسی و گروه‌های مدنی نیز با ۱۳ کرسی نتایج چشمگیری کسب کردند. البته در این فهرست‌ها افراد و جریاناتی به‌عنوان مستقل در انتخابات شرکت کردند که به‌نوعی با جریان‌های اصلی همسویی دارند.

انتخابات لبنان به‌دلیل تأثیرگذاری داخلی و خارجی آن همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این انتخابات از یک‌سو، جایگاه احزاب و جریانات سیاسی را در نظام پارلمان محور لبنان مشخص می‌کند که در آن، ضمن انتخاب سران سه‌گانه قدرت سیاسی یعنی رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس مجلس، تقریباً همه تصمیمات اساسی این کشور در حوزه‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، امنیتی و نظامی نیز اتخاذ می‌شود. از سوی دیگر، به‌دلیل فضای موجود برای بازیگری گسترده بازیگران خارجی در لبنان، انتخابات این کشور به‌نوعی وزن و جایگاه محورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در این کشور و همچنین معادلات منطقه‌ای را مشخص می‌کند. این امور موجب شده است که همواره چه از سوی احزاب داخلی چه از سوی بازیگران خارجی به این انتخابات نگاه ویژه‌ای بشود و مراکز تصمیم‌گیری و پژوهشی ضمن رصد تحولات درون و پیرامون آن، به تحلیل و بررسی دقیق این پدیده پردازند.

۱. کلیه آمارها و نتایج انتخاباتی منتشره در این مقاله از پایگاه دولتی اطلاع‌رسانی انتخابات لبنان (<https://elections.gov.lb>) اخذ شده است.

با توجه به موارد مذکور، انتخابات لبنان برای جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت دارد. حضور فعال متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به خصوص جنبش حزب‌الله در این انتخابات، تأثیرگذاری این انتخابات بر حضور و نفوذ سیاسی محور مقاومت در سطح منطقه و همچنین تبدیل این انتخابات به محوری برای فعالیت‌های ضدنهیضتی [علیه] جمهوری اسلامی ایران، این اهمیت را دوچندان کرده است. این مسئله پرداختن به موضوع انتخابات ۲۰۲۲ را برای مراکز پژوهشی و تصمیم‌سازی کشور به امری ضروری تبدیل کرده است تا با رصد و شناسایی روندهای موجود سیاسی و امنیتی در سطح لبنان و منطقه غرب آسیا، تصمیمات و به‌تبع آن، کنشگری متناسب و صحیح‌تری را در جهت منافع ملی و نهضتی جمهوری اسلامی ایران اتخاذ و اعمال کنند.

در این مقاله با بررسی و تحلیل انتخابات ۱۵ می ۲۰۲۲ لبنان تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که این انتخابات دارای چه شرایط، ویژگی‌ها و پیامدهایی است. در همین راستا، این پژوهش در بخش اول به‌عنوان چارچوب مفهومی، به انتخابات در کشور با وجود دولتی ضعیف و جامعه‌ای شبکه‌ای می‌پردازد. در بخش دوم، به شرایط و ویژگی‌های خاص انتخابات ۲۰۲۲ پرداخته می‌شود. بخش سوم پیامدهای داخلی و خارجی این انتخابات را بررسی می‌کند. در آخر نیز ضمن نتیجه‌گیری، توصیه‌هایی در این زمینه به دست‌اندرکاران محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود.

چارچوب نظری: دولتی ضعیف و جامعه‌ای شبکه‌ای

ریشه اصلی بحران لبنان به این واقعیت برمی‌گردد که این کشور از اقوام و طوایف مختلف تشکیل شده است و چنین ترکیب ناهمگونی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی موجبات بروز تنش‌ها و چالش‌های ناگزیر سیاسی و اجتماعی مختلف را فراهم خواهد ساخت. از آنجا که ایجاد و برقراری نظم و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستلزم حل و فصل این بحران درون‌زاست، شکاف‌های طایفه‌ای به‌دلیل داشتن ترکیبی نامتجانس تا زمانی قابل مدیریت اند که ایجاد برخی بحران‌ها باعث هم‌عرض شدن این شکاف‌ها نشود و کار به جایی نرسد که از کنترل خارج شود. در چنین جامعه‌ای، اگرچه روندهای سیاسی مدرن همچون برگزاری انتخابات می‌تواند تا حدودی از تشدید بحران و خشن شدن روندهای سیاسی جلوگیری کند، ولی بحران را حل نمی‌کند؛ بلکه آن را بلندمدت می‌کند و عملاً دولت و ملت را دچار یک

بن بست تعاملی دائمی می‌سازد.

تبیین‌های مختلفی از ماهیت سیاست در لبنان ارائه شده است. برخی کارشناسان مانند «آرند لیجفارت» این شکل از سیاست را بر اساس نظریه دموکراسی انجمنی تبیین می‌کنند (See: Lijphart, ۱۹۹۴)، ولی این تبیین به دلیل قدرت سنتی برخی خانواده‌ها و اشخاص و نیز عدم امکان گردش نخبگان با مشکل اساسی روبه‌روست. به نظر می‌رسد نظریه دولت ضعیف و جامعه شبکه‌ای جوئل میگدال (See: Migdal, ۱۹۸۸) از قدرت تبیین بیشتری برای این پدیده برخوردار است.

میگدال بر این باور است که تعامل درست و آرمانی دولت و ملت، الگوی دولت ضعیف توانا^۱ و جامعه قوی قاعده‌مند است (کبریایی‌زاده و میرزایی فرد، ۱۳۹۰: ۳۹). در این وضعیت، دولت سازمانی متشکل از نهادهای مختلف و برخوردار از اقتدار اجرایی است و توسط رهبران مشروع هدایت و هماهنگ می‌شود و توانایی وضع قوانین و اجرای آن را دارد و حتی در صورت لزوم از امکان توسل به زور نیز برخوردار است. همچنین تعیین حدود اختیارات و عمل سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در یک قلمرو خاص، در حاکمیت آن قرار دارد (مؤذن جامی، ۱۳۸۰: ۷۷). جامعه نیز در عین برخورداری از قدرت مشروع برای حفظ حقوق خود، مطالبات را به صورت قاعده‌مند پیگیری می‌کند و دولت هم فرایندهای متناسب را برای پاسخ به این مطالبات دارد. در این حالت، تعاملی میان طرفین شکل می‌گیرد که منافع عمومی در آن تأمین می‌شود.

از نظر میگدال، عدم تفوق دولت برای اعمال سلطه از آنجا ناشی می‌شود که رهبران آن با جامعه‌ای قدرتمند و دارای موانع نفوذناپذیر روبه‌رو هستند. به عبارت دیگر، بازیگران داخلی در قالب رهبران دینی، رؤسای اقوام و طوایف، سندیکاها، الیگارش‌ها و نخبگان محلی سنتی از طریق سازمان‌ها، پیروان و نهادهای اجتماعی تحت رهبری خود، در برابر خواست دولت مقاومت می‌کنند و در حقیقت، دولت با یک جامعه شبکه‌ای قدرتمند روبه‌روست (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

با این تعریف میگدال، دولت‌ها از نظر میزان قدرت و حدود اختیارات به دو دسته قوی و ضعیف تقسیم‌بندی می‌شوند. دولت قوی دولتی است که از میزان بالایی از توان نفوذ، تنظیم

۱. Capable State

روابط اجتماعی، استخراج، توزیع و اختصاص منابع به منظور تحول اجتماعی به وسیله طراحی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها برخوردار باشد (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). دولت‌های ضعیف برخلاف دولت قوی، با ظرفیت پایینی در این امر و همین‌طور برای پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده جامعه مواجه هستند. نابسامانی سیاسی و امنیتی در این جوامع حاصل ضعف نهادهای اقتدار دولت و رقابت افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی برای تسلط انحصاری بر منابع قدرت سیاسی است (دلآوری، ۱۳۸۷: ۴۵). در حقیقت، در کشورهایی با دولت ضعیف، ناامنی از درون جامعه شکل می‌گیرد که علت آن را باید در تجاوز بازیگران داخلی از حدود بیان‌شده در تعریف دولت، در جریان فعالیت‌های سیاسی‌شان جست‌وجو کرد که چارچوب هر نظامی را تهدید می‌کند و دولت را با بحران روبه‌رو می‌سازد. به عبارت دیگر، دولت ضعیف وقتی شکل می‌گیرد که پایه‌های اعتبار اصول بنیادین یک نظام سست می‌شود و بازیگران سیاسی، این اجازه را پیدا می‌کنند که به نقد، نفی و نقض این اصول پردازند (اقتخاری، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۶۱). این دولت به این علت ضعیف مانده یا ضعیف می‌شود که شبکه‌هایی (طوایف در لبنان) از جامعه تحت حاکمیتش همچنان قدرتمند باقی می‌مانند یا در حال قدرتمندتر شدن هستند و می‌توانند در برخی سطوح با اقدامات و تصمیمات دولت مخالفت بورزند و در مقابل آن مقاومت کنند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). این وضعیت تعامل متناسب دولت و ملت را تضعیف و بحران را در ساختار تشدید می‌کند و وضعیت را از الگوی آرمانی دولت توانا و جامعه قاعده‌مند دور می‌کند.

در لبنان نیز شاهدیم طوایف لبنان به‌عنوان شبکه‌های قدرت، از تأثیرگذاری زیادی در عرصه سیاست برخوردارند و قدرت دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همین ساختار تقسیم قدرت بین شبکه‌های مختلف، موجب به‌وجود آمدن دولت ضعیف در لبنان شده؛ به طوری که از قدرت تأثیرگذاری آن به‌شدت کاسته است. با توجه به اینکه قدرت در اختیار رهبران سیاسی طایفه در قالب احزاب و گروه‌ها قرار می‌گیرد و دولت ضعیف نیز توانایی تأمین امنیت و نظم را ندارد، این رهبران غیر از مسئولیت رهبری طایفه خود، متوجه مسئولیت داخلی و خارجی هم می‌شوند و مانند یک دولت اقدام به اتخاذ سیاست داخلی و خارجی می‌کنند. همچنین در قالب این سیاست خارجی، برای ایجاد موازنه قوا وارد ائتلاف و اتحاد منطقه‌ای نیز می‌شوند. در چنین وضعیتی، رهبر هر طایفه در جایگاه عنصر اصلی ساختار سیاسی و اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده و تأثیرگذار در پویای تحولات سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند و بازیگران دیگر عرصه روابط بین‌الملل با درک این جایگاه، با ایشان وارد تعامل و کنشگری می‌شوند.

در چنین وضعیتی، اگرچه ساختار سیاسی با توجه به شکل مدرن خود، انتخابات پارلمانی برگزار می‌کند؛ این انتخابات بیشتر ظاهری بوده، در ماهیت قدرت در لبنان تأثیر نمی‌گذارد. احزاب و جریانات لبنانی و متحدان خارجی ایشان، نیز در حقیقت، از این ساختار برای نمایش قدرت استفاده می‌کنند؛ ولی قدرت واقعی در ائتلاف‌سازی‌های درونی و بیرونی این احزاب و جریانات نهفته است. به همین دلیل، نتایج انتخابات تا اندازه‌ای در حوزه کارکردی احزاب نقش دارد، ولی تأثیر عمیقی در فرایندهای قدرت سیاسی و امنیتی در لبنان ندارد. به همین دلیل، نتایج انتخابات لبنان اگرچه اهمیتی ویژه، به‌خصوص در حوزه نمایش قدرت و توان بسیج‌کنندگی هواداران دارد؛ ولی نمی‌توان آن را ملاک نهایی قدرت و نفوذ جریانات و احزاب و حامیان خارجی آنها دانست. از سوی دیگر، هرچند نتایج انتخابات کمک می‌کند تا احزاب و جریان‌های سیاسی در فرایند تقسیم قدرت مشارکت داشته باشند، ولی در نهایت، توافقات فراگیر و رضایت همه طرف‌ها زمینه‌ساز توافق سیاسی است. در چنین شرایطی، پیروز انتخابات لزوماً موفق به تشکیل دولت نمی‌شود و ناچار به توافق فراگیر است.

مسئله دیگر در مورد دولت ضعیف و جامعه شبکه‌ای در لبنان، «ضعف در نظام‌سازی» است که جنبش حزب الله پتانسیل آن را دارد که این ضعف را کاهش دهد. نظام سیاسی کنونی در لبنان نشان داده است که نه قابلیت مدیریت بحران سیاسی را دارد و نه قابلیت اداره امور اجرایی. لذا در مقابل دخالت خارجی آسیب‌پذیر است و در صورت تداوم نیز چشم‌انداز روشنی برای حل بحران کنونی وجود ندارد. در اینجا لزوم مدیریت نظام سیاسی در لبنان احساس می‌شود. نظام سیاسی در جامع‌ترین تعریف، مجموعه‌ای از فرایندهای تعامل یا یک خرده‌نظام از نظام اجتماعی معنا می‌شود که با سایر خرده‌نظام‌های غیرسیاسی، نظیر نظام اقتصادی و نظام فرهنگی در تعامل است. به این ترتیب، نظام سیاسی ضمن آنکه خود خرده‌نظامی از نظام گسترده‌تر اجتماعی است، با سایر خرده‌نظام‌های موازی نیز در تعامل است (قائدی، ۱۳۸۳: ۳۰۴).^۱ اگر شخص، افراد یا جنبشی توانایی تأثیرگذاری

(کم یا زیاد) در اداره هویت و ساختار نظام سیاسی را پیدا کند، می‌تواند در حد قدرت تأثیر خود، در مدیریت آن نظام سهیم باشد. به عبارت دیگر، مدیریت نظام سیاسی به معنای به دست گرفتن همه ارکان یک نظام سیاسی نیست، اگرچه شکل کامل آن است؛ به طوری که مدیریت نظام سیاسی گاه با تأثیرگذاری یک جنبش همچون حزب الله لبنان به سوی اهداف مورد نظر جنبش پیش خواهد رفت؛ بی‌آنکه رهبران آن مناصب دولتی و اجرایی در اختیار داشته باشند. این امر را می‌توان مبنای تداوم موفقیت‌های حزب الله در ساحت سیاسی لبنان دانست.

شرایط و ویژگی‌های انتخابات ۲۰۲۲

کشور لبنان از لحاظ شکلی، نوعی جمهوری پارلمانی است که منبع قدرت خود را از پارلمان اخذ می‌کند. طوایف مختلف (به عنوان شبکه‌های قدرتمند) بر اساس میزان جمعیتشان دارای نماینده در آن هستند. این پارلمان رؤسای سه‌گانه، یعنی رئیس جمهور را از میان طایفه مسیحی مارونی، نخست‌وزیر را از میان طایفه اهل سنت و رئیس پارلمان را از بین اهل تشیع معین می‌کند (رک: عبدالحی، ۱۹۹۴؛ نویهض، ۱۹۹۶؛ الناشف و الهندی، ۱۹۹۸).

نام طایفه در پارلمان	تعداد کرسی	درصد تقریبی جمعیت
مسیحیان مارونی	۳۴	۲۶
مسیحیان ارتدوکس شرقی	۱۴	۱۱
مسیحیان کاتولیک شرقی	۸	۶
مسیحیان ارتدوکس ارمنی	۵	۴
مسیحیان کاتولیک ارمنی	۱	زیر یک درصد
مسیحیان پروتستان	۱	زیر یک درصد
مسیحیان آشوری، سریانی ارتدوکس و کاتولیک، لاتین، کلدانی، قبطی ارتدوکس و کاتولیک	۱	زیر یک درصد
مسلمانان سنی	۲۷	۲۱
مسلمانان شیعه و اقلیت اسماعیلی	۲۷	۲۱
مسلمانان دروزی	۸	۶
مسلمانان علوی	۲	یک و نیم درصد
مجموع	۱۲۸	۱۰۰

منبع: الدولیه للمعلومات، ش.م.ل، ۲۰۰۹

در لبنان از لحاظ ماهوی، قدرت سیاسی در اختیار رهبران سیاسی شبکه‌های قدرت، یعنی طوایف مختلف است (قرما خوری، ۱۹۸۹: ۵-۱۰) و هرچه طایفه قدرتمندتر و متحدتر باشد، جریان سیاسی آن نیز قدرتمندتر است. این کشور دارای هجده طایفه است، ولی قدرت بین سه طایفه مسلمان شیعه، مسلمان سنی و مسیحی مارونی تقسیم شده است و دروزی‌ها نیز همواره به‌عنوان متوازن‌کننده قوا در بین این سه طایفه عمل می‌کنند (رک: المعلوف، ۱۹۹۷).

انتخابات پارلمان در چنین شرایط سیاسی کلی برای تعیین رؤسای سه‌گانه و همچنین اتخاذ تصمیمات سیاسی و حقوقی هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود؛ ولی این روند به دلایل مختلف سیاسی و امنیتی همواره با چالش‌ها و شرایط خاصی روبه‌رو بوده و بعضاً موجب تعویق انتخابات برای چندین سال شده است. برگزاری هر انتخاباتی در لبنان تابع شرایط و وضعیت داخلی و منطقه‌ای خاص خود است و انتخابات ۲۰۲۲ نیز از این قاعده مستثنا نیست. شناخت این شرایط و ویژگی‌ها می‌تواند به تحلیل بهتر نتایج و پیامدهای پیش روی آینده سیاسی لبنان و منطقه غرب آسیا کمک کند. مهم‌ترین ویژگی‌های خاص این دوره از انتخابات لبنان عبارت‌اند از:

الف) برگزاری انتخابات در وضعیت اقتصادی بحرانی

لبنان کشوری برخاسته از بستر بی‌ثباتی سیاسی، جنگ داخلی، اشغالگری رژیم صهیونیستی و دخالت خارجی است. به همین دلیل، عموماً از مشکلات اساسی اقتصادی مزمن رنج می‌برد. این وضعیت از سال ۲۰۱۸، به شدت تشدید شده و منجر به افزایش فقر، بحران سوخت و ضعف دولت در ارائه یارانه‌های کالاهای اساسی شده است؛ به طوری که بر اساس اعلام وزیر اقتصاد لبنان در ابتدای سال ۲۰۲۲، حجم خسارت‌های لبنان بعد از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱، به حدود ۷۰ میلیارد دلار رسیده است که این امر برای اقتصاد لبنان با حجم ۶۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی با رتبه ۸۹ جهانی، حجم بزرگی محسوب می‌شود (رک: شفقنا، ۱۴۰۰). انتخابات لبنان در چنین وضعیت سیاه اقتصادی، با مردمی به شدت آسیب‌دیده از آن برگزار شد. مهم‌ترین علل و عوامل چنین وضعیت اقتصادی در زمان برگزاری انتخابات ۲۰۲۲ عبارت‌اند از:



۱. تحریم اقتصادی سوریه: لبنان از لحاظ اقتصادی چسبندگی خاصی به سوریه دارد؛ به طوری که بخش عمده تجارت رسمی و غیررسمی خارجی آن معطوف به تجارت با این کشور است. این وابستگی حتی بعد از بحران داخلی سوریه، به دلیل نزدیکی بنادر لبنان به دمشق و چالش‌های امنیتی در مسیرهای بنادر سوریه به این شهر، بیش از پیش شده بود. با اعمال قانون تحریمی سزار در سال ۲۰۱۹ توسط ایالات متحده آمریکا که هرگونه تجارت با سوریه را محدود می‌کرد، تجارت لبنان و سوریه نیز دچار چالش شد. از سوی دیگر، تحریم‌ها علیه سوریه موجب افزایش قاچاق کالاهای اساسی همچون مواد غذایی و سوخت از لبنان به سوریه شد. این امر اختلال شدید در چرخه تأمین کالاهای اساسی و همچنین تأمین یارانه‌های پرداختی توسط دولت لبنان را در پی داشت.

۲. بحران بانکی لبنان: بانک مرکزی لبنان به دلیل انباشت مشکلات اقتصادی، افزایش نقدینگی، فشارهای تحریمی آمریکا و همچنین سیاست‌گذاری غلط در سال‌های پیش، در سال ۲۰۱۹ برای جلوگیری از افت قیمت لیر لبنان در برابر دلار، پرداخت دلاری بانک‌ها را محدود و به جای آن اقدام به پرداخت لیر کرد. با توجه به پس‌انداز دلاری مردم و تجار، این امر موجب ایجاد اختلال اقتصادی شد و سرمایه‌های مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داد. همچنین سبب تشدید بحران و شکل‌گیری بازار سیاه شد که نتیجه آن، سقوط شدید ارزش لیر بود؛ به طوری که هر دلار آمریکا که سال‌ها ۱۵۰۰ لیر بود، در سال ۲۰۲۲ به ۳۳۰۰۰ لیر رسید. این سقوط ارزش لیر همراه با عدم پرداخت دلار پس‌انداز شده مردم موجب کاهش قدرت خرید و به تبع آن، افزایش شدید فقر شد که بر اساس برخی از آمار، میزان آن به بالای ۵۰ درصد رسیده است.

۳. تبعات ناشی از کرونا: لبنان به دلیل جاذبه‌های گردشگری، یکی از مقاصد گردشگری جهان به خصوص منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. همه‌گیری بیماری کرونا از سال ۲۰۲۰ تاکنون موجب محدودیت‌های گسترده، به‌ویژه خسارت به مراکز و نیروی انسانی وابسته به صنعت گردشگری شد. این امر تعطیلی این مراکز و بیکاری فعالان این بخش را به دنبال داشت و بر شدت بحران اقتصادی افزود.

۴. انفجار بندر بیروت: انفجار چهارم آگوست ۲۰۲۰ بندر بیروت، به‌عنوان اصلی‌ترین مرکز تبادلات تجاری بین‌المللی لبنان، فارغ از مباحث و فرضیات مطرح‌شده در مورد عمدی بودن یا حادثه بودن آن و همچنین میزان خسارت‌های وارده و همچنین پیامدهای داخلی،

منطقه‌ای و بین‌المللی آن، اقتصاد و روند تجاری لبنان را بیش از پیش با چالش روبه‌رو کرد که همچنان نیز به دلیل ناتوانی دولت در جبران خسارت‌ها و بازسازی زیرساخت‌ها، تداوم دارد.

۵. ضعف بودجه و بدهی خارجی: ضعف بودجه و هزینه‌های گزاف جاری دولت که عمدتاً شامل حقوق شاغلان و بازنشستگان لشکری و کشوری می‌شود، اقتصاد لبنان را دچار چالش جدی کرده است؛ به نحوی که طبق آمارهای ارائه‌شده (۲۰۲۱، Trading Economics) درآمد سالیانه دولت در حدود ۱۰ میلیارد دلار است؛ در حالی که هزینه‌های آن به ۱۶ میلیارد دلار می‌رسد. دولت لبنان در سال‌های گذشته، برای جبران کمبود بودجه اقدام به استقراض خارجی کرده؛ به طوری که بدهی دولت لبنان به حدود ۸۵ میلیارد دلار رسیده و به نسبت حجم اقتصاد این کشور، یکی از بدهکارترین کشورهای جهان است. این امر نیز در سال‌های اخیر، بر تداوم بحران اقتصادی لبنان افزوده است.

ب) تداوم انسجام درونی گروه‌های مقاومت و ازمهم‌گسیختگی جریان رقیب یکی از نقاط قوت ائتلاف مقاومت در لبنان به رهبری جنبش حزب‌الله، ساختار تشکیلاتی ویژه آن است؛ به طوری که با توجه به داشتن رهبری و مغز متفکر واحد در تعیین راهبردهای کلان، یعنی جنبش حزب‌الله، اما هریک از عناصر از استقلال خاصی در تصمیم‌گیری و تعیین راهبردها و تاکتیک‌های سیاسی بر اساس شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود در مناطق مختلف لبنان برخوردارند. لذا با وجود بروز اختلافات داخلی و همچنین هجمه گروه‌های رقیب برای تخریب این ساختار تشکیلاتی، این امر مانع ازمهم‌گسیختگی آن شده است. نمود این انسجام درونی در انتخابات ۲۰۲۲ بروز و ظهور پیدا کرد؛ زیرا به‌رغم اختلافات شدید میان عناصر هم‌پیمان جنبش حزب‌الله همچون اختلافات سیاسی میان «جبران باسیل» رهبر جریان آزاد ملی و «نبیه بری» رهبر جنبش امل و همچنین فشارهای سیاسی، اقتصادی و رسانه در تشدید این‌گونه اختلافات، ولی با مدیریت حزب‌الله شاهد تشدید اختلافات و تأثیر آن در ارائه فهرست‌های موازی نبودیم و همین امر موجب تداوم انسجام داخلی گروه‌های مقاومت شد.

در مقابل، جریان رقیب یعنی جریان چهارده مارس، اگرچه دارای هدف سیاسی و امنیتی مشخص در تخریب جنبش حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران بود و همچنین حامیان مالی

و سیاسی‌شان نیز این هدف مشترک را پیگیری می‌کردند، ولی در سطح انسجام‌بخشی دچار چالش شدند و در مناطق مختلف فهرست‌های موازی دادند که نتیجه آن، شکست کمپین‌های انتخاباتی، به‌رغم حمایت‌های مالی، سیاسی و رسانه‌ای بود.

ج) مشارکت اهل سنت بدون مرجعیت سیاسی

یکی دیگر از ویژگی‌های انتخابات ۲۰۲۲ لبنان، مشارکت اهل سنت بدون حضور مراجع سیاسی همچون سعد الحریری، فؤاد سنیوره، نجیب میقاتی و تمام سلام به‌صورت شخصی و عدم حضور حزب المستقبل به‌عنوان اصلی‌ترین حزب اهل سنت به‌صورت جریانی بود. در مورد علل این امر نیز می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

۱. تحریم انتخابات و اعلام عدم مشارکت اعضای حزب المستقبل در انتخابات توسط

سعد الحریری؛

۲. اختلاف میان حامیان خارجی احزاب اهل سنت همچون عربستان سعودی در مورد

تداوم رهبری سعد الحریری و تلاش رقبای وی همچون اشرف ریفی و فؤاد سنیوره

برای جانشینی؛

۳. تلاش برای به‌بن‌بست رساندن فرایند سیاسی لبنان و بهره‌گیری از این بی‌ثباتی با

هدف تضعیف جنبش حزب‌الله؛

۴. رصد تحولات سیاسی و درک احتمال شکست سنگین در انتخابات ۲۰۲۲ و تلاش

سعد الحریری برای بازیابی وجهه سیاسی از طریق قرار گرفتن در جناح اپوزیسیون

ساختار سیاسی.

اگرچه اهل سنت بر اساس سهمیه‌بندی سیاسی موجود در قوانین این کشور، نمایندگان

خود را راهی پارلمان کردند، ولی نبود مرجعیت از یک‌سو، موجب تشتت آرا شد؛

به‌طوری‌که اکثر نامزدهای اهل سنت در قالب فهرست‌های احزاب دیگر همچون نیروهای

لبنانی یا فهرست‌های مستقل وارد انتخابات شدند و از سوی دیگر، کاهش مشارکت اهل

سنت در انتخابات را در پی داشت؛ به‌طوری‌که مناطق اهل سنت عموماً مشارکت حدود ۴۰

درصدی را ثبت کردند و حتی مناطقی همچون بیروت و عکار در قالب حوزه انتخابی دایره

اول بیروت و دایره اول شمال، مشارکت ۳۳ و ۳۹ درصدی را به ثبت رساندند.

(د) نتایج تعیین‌کننده رقابت مسیحی - مسیحی

یکی دیگر از ویژگی‌های انتخابات ۲۰۲۲ لبنان، نتیجه تعیین‌کننده رقابت مسیحی - مسیحی بر سر ۶۴ کرسی این طایفه بود. با توجه به انسجام داخلی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شیعه در سه دهه اخیر، عموماً تکلیف کرسی‌های شیعه مشخص است و تقریباً همه آنها متعلق به جنبش حزب‌الله و جنبش امل است. در طایفه اهل سنت نیز به دلیل عدم مشارکت فعالانه جریان اصلی، یعنی حزب المستقبل رقابت ویژه‌ای شکل نگرفت. این در حالی بود که در دوره‌های گذشته، یکی از رقابت‌های اصلی میان جریان‌های کوچک و افراد مستقل اهل سنت با حزب المستقبل بود. اما در طایفه مسیحی رقابت‌ها شدید بود؛ به طوری که بیشتر توجهات سیاسی و حمایت‌های اقتصادی در این بخش قرار گرفته بود.

نکته درخور توجه این بود که در مناطق رقابتی بین دو جریان آزاد ملی و نیروهای لبنانی، یعنی مناطق کسروان، جبیل و المتن یا همان دایره اول و دوم جبل لبنان، شاهد مشارکت بالای ۶۵ درصد بودیم؛ در حالی که میزان مشارکت در کل لبنان ۴۹ درصد بود. رقابت تنگاتنگ میان دو جریان اصلی در این دوره، یعنی نیروهای لبنانی به رهبری سمیر جعجع با جریان آزاد ملی وابسته به «میشل عون» رئیس‌جمهور به رهبری جبران باسیل در نوع خود یک پدیده جدید در انتخابات لبنان بود که در نهایت، نیروهای لبنانی توانستند برتری چند دوره‌ای جریان آزاد ملی را در مسیحیت تحت تأثیر قرار دهند و کرسی‌های برابری (هر یک، ۲۰ کرسی) را کسب کنند. البته در این رقابت، جریان‌های دیگر همچون حزب کتائب و جریان المرده نیز کمپین‌های فعالی داشتند و توانستند از قبال این رقابت و مشارکت‌ها نتایج قابل قبولی کسب کنند.

پیش از انتخابات این فضای سیاسی فعالانه وجود داشت؛ به طوری که برخلاف دوره‌های قبلی، رهبری جریان ۱۴ مارس را سمیر جعجع بر عهده داشت و حمایت‌های سیاسی، مالی و رسانه‌ای بیشتر معطوف به کمپین وی بود. این رقابت مسیحی - مسیحی به حدی بود که بسیاری از رسانه‌های مخالف مقاومت، بدون در نظر گرفتن کرسی‌های حامیان مقاومت در طوایف شیعه و اهل سنت، بر روی کسب کرسی‌ها توسط سمیر جعجع تمرکز کرده بودند و آن را یک پیروزی قلمداد می‌کردند؛ در حالی که واقعیت انتخابات و کرسی‌های قطعی



کسب شده، پیروزی جریان مقاومت را نشان می‌داد.

ه) افزایش تحرک گروه‌های مدنی و مستقل

با فراگیر شدن و افزایش ضریب نفوذ رسانه در میان مردم لبنان و فضای ناشی از تکثرگرایی قدرت و توجه کنشگران دیگر به عرصه رسانه‌ای، کنشگران مدنی نیز ظهور و بروز سیاسی بیشتری پیدا کردند. این روند در دوران کنونی با گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و ایجاد تنوع رسانه‌ای، موجب هویت‌یابی سیاسی و به تبع آن، افزایش تأثیرگذاری بخش‌هایی از جامعه شده است که پیش‌ازین، فرصت حضور چندانی نداشته یا نادیده گرفته می‌شده‌اند. این امر کنشگران مدنی را در عرصه سیاسی لبنان تقویت کرده است. این کنشگران اگرچه به صورت مجزا قدرت تأثیرگذاری زیادی ندارند، ولی در صورت همگرا شدن و شبکه‌ای شدن در یک موضوع خاص، می‌توانند بر روندهای سیاسی تأثیر بگذارند. این کنشگران بیشتر بعد از تحولات اکتبر ۲۰۱۹ به صورت فرد یا گروه‌های کوچک فعال، ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. در تبیین جایگاه کنونی کنشگران مدنی در لبنان می‌توان به چند ویژگی آنها اشاره کرد:

۱. تمرکز کنشگران مدنی بیشتر در حوزه حکمرانی و ضعف و ناکارآمدی‌های حکمرانان کنونی لبنان است. به همین دلیل، مورد توجه اقشار آسیب‌پذیر، از جمله جوانان این کشور قرار می‌گیرند؛ به خصوص اینکه لبنانی‌ها با چالش جدی فساد سیستماتیک سیاسی و اقتصادی و همچنین ضعف خدمات عمومی روبه‌رو هستند.

۲. حوزه تشکیلاتی کنشگران مدنی لبنان برخلاف احزاب سیاسی باز است و عموماً سازوکارهای رسمی برای ورود به حوزه فعالیت مدنی وجود ندارد. در این گروه‌ها، رهبری به مفهوم سنتی آن وجود ندارد، بلکه افرادی با هدف مشترک در کنار هم، یک هویت سیاسی شکل داده‌اند.

۳. رسانه و فضای مجازی مهم‌ترین ابزار تحرک سیاسی و اجتماعی کنشگران لبنانی است و بدون این ابزار، شبکه ارتباطی فی‌مابین قطع می‌شود؛ ولی به دلیل فراگیری اینترنت و وابستگی امور روزمره تجاری و معیشتی مردم لبنان به آن، قطع آن دور از ذهن است.

۴. کنشگران مدنی لبنانی زمانی در عرصه سیاسی ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کنند و به شبکه‌های قدرتمند سیاسی تبدیل می‌شوند که گروه‌های سیاسی حاکم توانسته باشند در

قالب یک توافق، با یکدیگر به تقسیم قدرت پردازند.

۵. کنشگران مدنی نظم سیاسی موجود در لبنان را به چالش می‌کشند و آن را ناکارآمد می‌دانند؛ ولی درعین حال، نظم سیاسی جایگزین، مشخص و منسجمی را ارائه نمی‌دهند و هر یک از ایشان مباحث پراکنده‌ای را مطرح می‌کنند. این کنشگران مدنی فاقد سوگیری و جهت‌گیری مشخص و مرسوم سیاسی در لبنان هستند و از این سوگیری‌ها تبری می‌جویند؛ ولی درعین حال، دارای برخی از مؤلفه‌های آن هستند؛ به طوری که عده‌ای از کارشناسان ایشان را مستقل و برخی دیگر، ایشان را آنارشویست تعریف می‌کنند.

۶. اگرچه کنشگران مدنی لبنان را نمی‌توان به طور قطع همسو با غرب دانست، ولی به دلیل سیطره غرب بر فضای مجازی و رسانه‌ای، نزدیکی فکری و سازمانی اکثر سازمان‌های مردم‌نهاد به غرب، شعارها و تعارضات آنها با جریان‌ات اسلامی و قومی و همچنین رویکردهای تحول‌خواهانه آنها، اکثر سیاست‌های ایشان قرابت خاصی به غرب دارد. این کنشگران مدنی و مطالبات متنوع ایشان موجب بهره‌برداری برخی از قدرت‌های خارجی، اشخاص و جریان‌ات سیاسی از فضای کنونی شده؛ به طوری که برخی از این کنشگران، ارتباطات خاصی با طرف‌های سیاسی داخلی و نیز با سازمان‌های امنیتی خارجی دارند. ارتباطات سیاسی و اطلاعاتی این کنشگران موجب تبدیل شدن ایشان به ابزاری برای تحقق اهداف بازیگران داخلی و خارجی شده است. شعارهای پررنگ‌تر این کنشگران مدنی علیه جریان مقاومت لبنان شاهد این مدعا است. بخشی از این کنشگران مدنی، به شکلی هدفمند ابزاری برای جریان رقیب محور مقاومت به‌شمار می‌روند.

۷. تجربه تحولات اکتبر ۲۰۱۹ در انسجام یا شبکه‌ای شدن کنشگران مدنی و دستیابی به برخی از اهداف موجب ایجاد اعتماد به نفس در میان کنشگران مدنی لبنانی برای گسترش کمی و کیفی ایشان شده است.

۸. برخی از شعارها و تبلیغات کنشگران مدنی لبنانی از یک سو، ضد ساختار سیاسی و فرهنگی است و از سوی دیگر، برخلاف منافع کنشگران سیاسی دیگر است. این امر موجب برخورد خشن با برخی از کنشگران مدنی شده است. البته در این میان، برخی طرف‌های داخلی و خارجی نیز برای ضربه زدن به رقیب سیاسی و انحراف اذهان عمومی، اقدام به خشونت علیه کنشگران مدنی کرده‌اند. این برخوردهای خشن موجب کسب هم‌دردی و حمایت خاص نهادهای حقوق بشری داخلی و خارجی از این کنشگران شده است.



این روند موجب شده است تا کنشگران مدنی لبنانی در این دوره از انتخابات حضور و ظهور بسیار پررنگی پیدا کنند و در قالب فهرست‌های تحول‌خواهانه و جامعه مدنی شرکت کنند. آنها به‌رغم نداشتن انسجام درونی و همین‌طور جامعه هوادار منسجم توانستند بخش‌هایی از آرا (۱۳ کرسی) را جلب کنند و به نیروی جدیدی در لبنان تبدیل شوند.

البته در این دوره، قانون انتخاباتی جدید که از سال ۲۰۱۷ اعمال می‌شود نیز بی‌تأثیر نبود و فضایی هم به افراد مستقل و کنشگران مدنی برای مشارکت در انتخابات داد. بر اساس قانون نسبتی که به‌جای قانون اکثریت برگزار شد، کرسی‌های فهرست‌های مختلف به‌تناسب تعداد آرای اکتسابی به آنان تعلق می‌گرفت و هر شخص می‌توانست از درون فهرست انتخابی خود به یک نفر رأی ترجیحی (الصوت التفضیلی) نیز بدهد. درحالی‌که قانون قبلی بر اساس اکثریت بود؛ یعنی هر فهرستی رأی بیشتری می‌آورد، انتخاب می‌شد و به این طریق، احزاب بزرگ همواره پیروز بودند.

و) تشدید نقش مخرب خارجی

جایگاه بازیگران خارجی حامی جریان ۱۴ مارس، به‌خصوص آمریکا، عربستان سعودی و تا حدودی فرانسه و امارات متحده عربی، به‌رغم هزینه‌های مالی و فشارهای سیاسی و رسانه‌ای، در مقابل محور مقاومت در حال افول است. به همین دلیل، این کشورها سعی کردند با هرگونه موفقیت جدید جنبش حزب‌الله در صحنه سیاسی و تداوم مشروعیت سلاح مقاومت در لبنان - که در این شرایط، دستاورد بزرگی برای محور مقاومت محسوب می‌شود - مقابله کنند. این روند در دوره‌های قبل نیز وجود داشت؛ ولی به نظر می‌رسد این دوره بیش‌ازپیش بوده است؛ به‌طوری‌که این کشورها با درک این موضوع که حضور جنبش حزب‌الله و متحدانش در ساختار سیاسی یک پیروزی جدید برای محور مقاومت خواهد بود که بعد از پیروزی نسبی در انتخابات کامل‌تر خواهد شد، به‌صراحت و بدون ملاحظات مرسوم سیاسی و به‌صورت یک حزب داخلی مواضعشان را علیه جنبش حزب‌الله و سلاح مقاومت اعلام می‌کردند. آنها در این راه از همه ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای خود در قالب کمپین‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای با هدف تخریب جریان مقاومت در انتخابات ۲۰۲۲ استفاده می‌کردند. برای مثال، اخبار متعددی از حمایت‌های مالی از هر جریانی (احزاب، افراد مستقل و فعالان موسوم به مدنی) که به‌نوعی علیه مقاومت اقدام

می‌کرد، منتشر می‌شد. ملاقات‌های متعدد خانم «دورتی شیا» سفیر آمریکا با گروه‌ها و افراد لبنانی و همچنین مصاحبه‌های تلویزیونی و مطبوعاتی که در آنها بیان می‌داشت در صورت تداوم حضور حزب‌الله در ساحت سیاسی لبنان، تحریم‌های آمریکا ادامه خواهد داشت، شاهد این مدعا است.

ز) تعلل سیاسی

یکی دیگر از ویژگی‌های انتخابات ۲۰۲۲ در لبنان، تعلل متحدان خارجی این کشور همچون عربستان سعودی و آمریکا و نگاه به روند موجود به‌عنوان نقطه‌عطف سیاسی و دوره گذار بود. به نظر می‌رسد ایشان منتظرند تا یا انسجام راهبردی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش به ثمر بنشیند یا مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و غرب به کاهش حضور و نفوذ محور مقاومت در سطح منطقه غرب آسیا، به‌ویژه لبنان منجر شود.

بر اساس این راهبردهای مبتنی بر چماق و هویج، از یک‌سو، با راهبرد فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های مقاومت همچون جنبش حزب‌الله، شدیدترین تحریم‌ها را وضع می‌کنند و می‌کوشند تا به این وسیله، موجب تغییر رفتار محور مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شوند و از سوی دیگر، با راهبرد مذاکرات هسته‌ای سعی دارند با ارائه وعده‌های اقتصادی و رفع تحریم‌ها محور مقاومت را مهار کنند.

به نظر می‌رسد این انتظار به متحدان کوچک‌تر، یعنی گروه‌ها و افراد سیاسی همسو با ایشان در لبنان نیز سرایت کرده و آنها هم منتظر تسلیم شدن محور مقاومت یا دست‌کم، عقب‌نشینی ایشان از برخی مواضع هستند؛ ولی این امر تاکنون محقق نشده است. نتیجه این نگاه به عرصه سیاسی و درک دوران در حال گذار، موجب ایجاد تعلل سیاسی شده است که بخش عمده‌ای از بحران‌های مختلف لبنان، به‌خصوص در زمان برگزاری انتخابات مهم ۲۰۲۲، نیز ناشی از همین درک است.

پیامدهای ناشی از نتایج انتخابات

انتخابات سراسری ۲۰۲۲ لبنان با توجه به ساختار سیاسی - امنیتی و همچنین شرایط خاص آن در ۱۵ می برگزار و نتایج نهایی آن نیز دو روز بعد اعلام شد. نتایج حاصل از این انتخابات دارای یک‌سری پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در سطح داخلی و منطقه‌ای است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:



الف) تثبیت جایگاه محور مقاومت در لبنان، به‌رغم تشدید تخریب‌ها

یکی از خطوط اصلی کمپین‌های انتخاباتی جریان ۱۴ مارس و حامیان خارجی آن، برسازی محور مقاومت و به‌تبع آن، سلاح مقاومت به‌عنوان عامل مشکلات و بحران‌های داخلی و خارجی لبنان بود. این کمپین‌های انتخاباتی تلاش داشتند با هر ابزاری همچون تبدیل شخصیتی ضد مقاومت، یعنی سمیر جعجع به‌عنوان رهبر جریان ۱۴ مارس، تحریم انتخابات، پراکنده کردن آرا توسط افراد و جریان‌های مستقل و همچنین تشدید بحران اقتصادی، زمینه را برای کاهش حضور مردم به‌منظور انتخاب فهرست‌های نزدیک به مقاومت فراهم کنند.

ولی مقاومت توانست در این شرایط، آرای درخور توجهی کسب کند و ضمن حفظ یک‌سوم اساسی (ثلث معطل) توسط متحدان اصلی خود، با همراهی احزاب و افراد همسو نیز نزدیک به ۶۱ کرسی به‌دست آورد که فاصله زیادی با کسب اکثریت (۶۴ کرسی) نداشت. این در حالی است که طرف مقابل با تمام حمایت‌ها فقط توانست ۴۱ کرسی قطعی کسب کند. این امر نشان از حمایت اساسی و ریشه داشتن تفکر مقاومت در لبنان دارد.

از سوی دیگر، این پیام را به جریان‌های مخالف و کشورهای حامی آنها داد که محور مقاومت در ساحت سیاسی لبنان تثبیت شده و روش‌ها و فشارهای سیاسی، رسانه‌ای و امنیتی کنونی برای تخریب، ممکن است فقط چند کرسی را کاهش دهد، ولی نمی‌تواند منجر به تأمین خواسته ایشان یعنی حذف مقاومت و سلاح آن در لبنان شود.

ب) تداوم وضعیت بحرانی لبنان

یکی دیگر از پیامدهای انتخابات ۲۰۲۲ لبنان را می‌توان تداوم وضعیت کنونی دانست؛ زیرا کشورهای غربی و عربی که به مطالبات و اهداف سیاسی خود در این انتخابات نرسیده‌اند، تلاش خواهند کرد تا سیاست اعلامی خود را، یعنی عدم ارائه کمک به لبنان تا زمان انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی ادامه دهند و حتی در این روند با انواع قواعد و قوانین تحریمی و مانع‌تراشی جریانات همسو، مانع از ارسال کمک‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص سوخت به لبنان شوند.

این سیاست اعلامی اگرچه ظاهری اصلاح‌طلبانه و ضد فساد سیستمی دارد، ولی در باطن، پیگیر اهداف سیاسی همچون کنار زدن مقاومت و سلاح آن است. حتی در موضوع مذاکرات برای ترسیم حدود مرزی میان لبنان و فلسطین اشغالی با میانجی‌گری آمریکا نیز

اگرچه موضوع منافع گازی لبنان مطرح می‌شود، ولی در پس آن، عادی‌سازی روابط و تضعیف مقاومت پیگیری می‌شود.

پافشاری و تداوم این سیاست‌های حذفی در لبنان نتیجه‌ای جز تداوم بحران و بن‌بست سیاسی ندارد. از سوی دیگر، تداوم وضعیت بحرانی دلایل داخلی نیز دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: وجود هویت‌های سیاسی متعدد و متناقض؛ تعارضات سیاسی لاینحل میان جریان‌های سیاسی؛ وجود شبکه‌های (قومی و مذهبی) قدرتمند درون جامعه که حاکمیت دولت را به چالش می‌کشند؛ تعدد احزاب سیاسی قدرتمند؛ مشکلات حقوقی قانون اساسی در ساختار نظام سیاسی و سهمیه‌بندی عرفی و قانونی در ساختار نظام سیاسی.

ج) کاهش مشروعیت سیاست‌مداران کنونی لبنان

یکی دیگر از پیامدهای انتخابات ۲۰۲۲ لبنان، کاهش مشروعیت سیاست‌مداران کنونی لبنان، به‌جز سیدحسن نصرالله به‌دلیل مواضع ضدفساد و رویکرد مقاومتی آن است که این انتخابات نیز آن را بازگویه کرد. در چند سال اخیر، به دلایل مختلفی شاهد کاهش مشروعیت سیاست‌مداران لبنانی در میان مردم لبنان بوده‌ایم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: عدم تحقق وعده‌های سیاست‌مداران کنونی در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی؛ ناامیدی از کارآمدی سیاست‌مداران کنونی؛ فساد و سوءاستفاده از قدرت؛ وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شکل آشکار. این کاهش مشروعیت به ساختار سیاسی، امنیتی و قضایی کشور ضربات سنگینی وارد می‌کند که نتیجه آن، تضعیف پشتوانه مردمی و اعتماد عمومی است که انفعال عمومی در پی دارد.

در این شرایط، احتمال حرکت جریان رسانه‌ای و تبلیغاتی و حتی نهادهای امنیتی جریان‌ها و کشورهای غربی و عربی به سمت تخریب جریانات مورد اقبال عمومی همچون جنبش حزب‌الله، زیاد می‌شود. در این روند با تشدید سیاست تخریب، به‌ویژه در عرصه‌هایی همچون تخریب شخصیت که حساسیت‌های مردم لبنان در آن بیشتر است، جریان‌های مقاومت و عناصر آن را به انواع فسادهای سیاسی، اقتصادی و اخلاقی متهم می‌کنند. در ضمن، به تبلیغات منفی در مورد اوضاع داخلی کشورهای همسوی مقاومت می‌پردازند و در مقابل، پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای همسوی خود را بزرگ می‌نمایند.

د) تداوم حضور نخست‌وزیرانی با پشتوانه ضعیف سیاسی

با توجه به ساختار سیاسی و پارلمانی لبنان، عموماً نخست‌وزیرانی قدرت پیشبرد امور را پیدا می‌کنند که در انتخابات آن دوره توانسته باشند کرسی‌های درخور توجهی را به‌عنوان پشتوانه سیاسی کسب کنند و همچنین در میان اکثریت اهل سنت به‌عنوان طایفه نخست‌وزیر، از حمایت عمومی و نهادهای مرتبط با آن همچون دارالفتوای اهل سنت برخوردار باشند. این در حالی است که به‌دلیل انصراف رهبران برجسته اهل سنت و جریان‌های وابسته به آنها از حضور در انتخابات، گزینه‌های پیشرو، متعلق به هر جریانی، فاقد پشتوانه کافی در پارلمان لبنان و همچنین حمایت عمومی اهل سنت برای پیشبرد اهدافشان هستند. به همین دلیل، نخست‌وزیر انتخابی چه در تشکیل کابینه و چه در امور حیاتی دیگر با این تزلزل روبه‌رو خواهد بود. این امر جایگاه نخست‌وزیری را به‌عنوان پیشران امور اجرایی در لبنان با چالش روبه‌رو می‌کند.

ه) تشدید شکاف سیاسی

یکی دیگر از پیامدهای انتخابات ۲۰۲۲ لبنان، تشدید شکاف‌های سیاسی با افزایش تعارضات بود. در این دوره از انتخابات، به‌دلیل سرمایه‌گذاری جریانات رقیب محور مقاومت بر روی گزینه‌های تندرو و افراطی همچون سمیر جعجع و اشرف ریفی که در مخالفت با جریان مقاومت حدومرزی نمی‌شناسند، در مقابل عدم مشارکت رهبران سنتی همچون سعد الحریری و نجیب میقاتی، به نظر می‌رسد فضای تعاملی کمتری میان جریانات داخلی لبنان فراهم شود و قدرت عمل بازیگران میانه‌رو همچون نبیه بری و ولید جنبلاط را - که عموماً نقش میانجی را در تصمیمات اساسی لبنان اتخاذ می‌کنند - کم کند. از سوی دیگر، عدم مشارکت رهبرانی همچون سعد الحریری و فؤاد سنیوره، ایشان را به‌عنوان یک اپوزیسیون تعریف می‌کند تا با هر روند توافقی مخالفت کنند و از حربه اردوکشی خیابانی بیشتر بهره ببرند. این چنین سیاسی مجلس احتمالاً موجبات تعارض سیاسی را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز ایجاد خلأ سیاسی در برخی از پست‌های مهم همچون ریاست جمهوری و نخست‌وزیری می‌شود.

و) تقویت جریان سوم

پیامد جدید دیگر انتخابات ۲۰۲۲ لبنان را می‌توان تقویت جریان سوم در قالب افراد و جریان مستقل و همچنین فعالان مدنی دید. ورود قوی‌تر جریان سوم به تحولات سیاسی لبنان اگرچه فرصت انسجام درونی را از رقبای مقاومت گرفته است، ولی این ورود

غیرسازمان‌یافته افراد به پارلمان موجب سخت شدن رایزنی‌های سیاسی و همچنین افزایش بازیگری بازیگران خارجی بیشتر در ساحت سیاسی لبنان خواهد شد.

برای مثال، جنبش حزب‌الله و متحدانش برای پیشبرد ثبات سیاسی و مطالبات عمومی مردم، اگر با رهبر جریان المستقبل به‌عنوان رهبر جریان رقیب توافق می‌کردند، دیگر نیاز به رایزنی با سایر افراد و گروه‌ها نبود. ولی اکنون حتی اگر با جریانی همچون نیروهای لبنانی نیز به توافق برسند، با توجه به وزن بالایی طرف‌های دیگر نمی‌توان این توافقات را عملی کرد.

شکل‌گیری گروه‌های متعدد مدنی و گسترش فضای مجازی میان اقشار مختلف با اهداف گوناگون، زمینه‌ای برای افزایش هیجانی و مشارکت سیاسی مردم لبنان می‌شود. گفتنی است گروه‌های مدنی در صورت اقدامات هیجانی و عدم مدیریت صحیح، موجب هرج‌ومرج در جامعه می‌شوند. این هرج‌ومرج سبب فراهم کردن فضای مناسب برای تأثیرگذاری سرویس‌های امنیتی خارجی می‌شود. همچنین نبود ارتش سایبری متناسب با تهدیدات پیش روی لبنان موجب ایجاد چالش در مدیریت بحران این کشور می‌شود. این تشدید تشنگ آرا در لبنانی که از تشدد آرای ذاتی رنج می‌برد و حکمرانی آن با چالش روبه‌روست، می‌تواند قدمی در جهت بحرانی‌تر شدن اوضاع باشد.

ن) افزایش تحركات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی علیه مقاومت

به‌دلیل حضور و نفوذ یکی از عناصر پر قدرت محور مقاومت، یعنی جنبش حزب‌الله لبنان در عرصه سیاسی و جغرافیایی جنوب لبنان و همچنین تثبیت این حضور و نفوذ از طریق انتخابات ۲۰۲۲ لبنان، زمینه تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت در منطقه پیرامون شمال فلسطین اشغالی فراهم شده است. جنبش حزب‌الله با تحکیم قدرت امنیتی و نظامی خود در ابعاد مختلف از یک‌سو، توانسته است به چالشگر اصلی امنیت رژیم صهیونیستی تبدیل شود و از سوی دیگر، موفق به ایجاد سطح بالایی از بازدارندگی در مقابل تحركات امنیتی و نظامی این رژیم شده است.

در مقابل، رژیم صهیونیستی برای جبران ضعف خود در ژئوپلیتیک محور مقاومت در مرزهای شمالی فلسطین اشغالی، خود را از نظر امنیتی و نظامی تقویت کرده است. به لحاظ سیاسی نیز رژیم صهیونیستی سعی دارد با استفاده از فضای سیاسی لبنان، با طرح موضوع سلاح مقاومت سطح کنشگری این جریان را کاهش دهد. این رژیم می‌کوشد که با

استفاده از ظرفیت‌های سیاسی و بین‌المللی هم‌پیمانان بین‌المللی و همچنین ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی، با تحت فشار قرار دادن حزب‌الله و جریان مقاومت و همچنین ایجاد رژیم‌های بین‌المللی کنترلی همچون استقرار نیروهای حافظ صلح در نوار مرزی میان لبنان و فلسطین اشغالی و استفاده از نیاز اقتصادی لبنان، سطح کنشگری ژئوپلیتیک محور مقاومت در این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد این روند، احتمال اقدامات سیاسی و امنیتی را علیه جنبش حزب‌الله لبنان افزایش می‌دهد و امکان ماجراجویی جدید نیز بالا می‌رود.

دلایل تداوم موفقیت‌های جنبش حزب‌الله در ساحت سیاسی لبنان

یکی از نکته‌های درخور توجه انتخابات ۲۰۲۲، تداوم موفقیت سیاسی جنبش حزب‌الله و متحدانش در ساحت سیاسی، به‌رغم فشارهای سیاسی و رسانه‌ای بود. یکی از سؤالات اصلی ناظران تحولات لبنان این است که دلایل تداوم موفقیت‌های سیاسی حزب‌الله چیست. در پاسخ می‌توان گفت همان‌طور که در مطالب قبلی اشاره شد، مبنای موفقیت جنبش حزب‌الله، تلاش این جنبش در مدیریت نظام سیاسی لبنان برای سوق دادن آن به سوی الگوی مطلوب است. این امر از دید مردم و جریان‌های اصیل سیاسی لبنان پنهان نیست. دلایل موفقیت حزب‌الله در مدیریت نظام سیاسی لبنان را باید در موارد زیر جست‌وجو کرد:

۱. معنویت: یکی از عوامل موفقیت حزب‌الله در مدیریت نظام سیاسی لبنان، وجود ایمان و اعتقاد به خداوند با دیدگاه توحیدی در این حزب است؛ زیرا این امر مانع دید زمینی و مادی‌گرایانه به موضوعات می‌شود. اعتقاد به خدا و توحید در برانگیختگی درونی یک جامعه بسیار مؤثر است. دیدگاه توحیدی به انسان به‌عنوان جزء اصلی جامعه، قدرت می‌دهد و به پیروانش می‌آموزد که در مقابل مشکلات تنها نیستند و خدا یار و یاور آنهاست و می‌توانند مشکلات خود را با کمک خدا حل کنند. ممکن است در ظاهر امر این‌طور به نظر برسد که این معتقدان توحیدی گرایش بیرونی دارند، ولی این یک برداشت سطحی است. آنها معتقد نیستند که خدا مشکلاتشان را حل می‌کند، بلکه معتقدند که حمایت و پشتیبانی خدا به آنان نیرو می‌دهد تا به اهدافشان برسند (کوشکی و خلیلی فر، ۱۳۸۹: ۳۴ - ۳۵). گفتنی است این دیدگاه نیز گاهی به دلیل برداشت سطحی موجب آفتی برای جامعه

می‌شود؛ به این گونه که افراد جامعه را به سویی می‌کشد که همه امور را به خداوند واگذار می‌کنند و وظیفه خود را فقط دعا برای تحقق این امر می‌دانند. در برابر این اندیشه سطحی وظیفه بزرگان دینی این است که با ترویج این گونه اندیشه‌ها مبارزه کرده و مردم را برای حرکت به سوی آرمان‌ها آماده کنند تا شاهد امدادهای غیبی خداوند باشند. یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای دیدگاه توحیدی، «معنویت» است که برآیندی از مجموعه اعمال و عبادات با منشأ اعتقاد به خدا و توکل و توسل به او و اطاعت از اوامر و پرهیز از نافرمانی خداوند است. این احساس عمیق، شورانگیز، عاشقانه و برانگیزاننده است که ارمغان‌هایی همچون فداکاری، ایثار، تلاش، پایمردی، مجاهدت و شهادت‌طلبی در راه خدا و سعادت بشریت را به همراه می‌آورد (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۸). اما دستاورد دیدگاه غیرتوحیدی در یک جامعه عبارت است از پذیرش ظلم که همچون سمی جامعه را تهدید می‌کند و با توجیهاتی همچون عدم توانایی در مقابله با قدرت برتر و ترس از مرگ همراه است. دیدگاه توحیدی نسبت به خداوند و آخرت این حس را در مردم به وجود می‌آورد که مفهوم کلی این سخنان، عدم پذیرش زیاده‌خواهی تا سرحد مرگ است؛ زیرا مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند و تاریخ هم ثابت کرده که این امر ضربات زیادی به ظالمان و سلطه‌طلبان وارد کرده است. معنویت یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار در تمام ارکان حزب‌الله است. حزب‌الله سعی کرده همواره این ویژگی را به نظام سیاسی لبنان تسری دهد و به‌نوعی در مدیریت نظام سیاسی، از آن بهره بگیرد. این امر کمک زیادی به تعمیق جنبش حزب‌الله و گفتمان مورد حمایت آن، یعنی انقلاب اسلامی در ساحت سیاسی لبنان کرده و با وجود فشارهای سیاسی و رسانه‌ای، جایگاه این جنبش را در یک وضعیت فزاینده قرار داده است.

۲. کار تشکیلاتی و ساختارمند: هر گروه برای مدیریت نظام سیاسی و رسیدن به اهداف خود، وابسته به عناصری همچون انسان منظم و برنامه درست است. از لحاظ تشکیلات، حزب‌الله عموماً دارای نیروها و عناصر منضبط بوده که در جهت اهداف تشکیلاتی خود اقدام می‌کنند. همین امر موجب ساختارمند بودن اقدامات آنها می‌شود که نتیجه مطلوب آن را در موفقیت در عملیات‌های محوله - چه در امور نظامی و امنیتی چه در امور سیاسی و اجرایی - شاهد هستیم.

۳. رهبری تحول‌آفرین: یکی از علل موفقیت حزب‌الله در مدیریت نظام سیاسی رهبری و چگونگی اعمال آن، توسط رهبرانی همچون سیدعباس الموسوی و سیدحسن نصرالله با ارشادات و



راهبری‌های مقام معظم رهبری است که به‌عنوان روندی از قدرت و نفوذ بر اعضا و گروه‌ها در یک گروه مقاومت تعریف می‌شود. رهبری تأثیر مستقیم بر اعضا و گروه‌ها دارد. از لحاظ رهبری، حزب‌الله همواره دارای رهبری واحد و کاریزما با چشم‌انداز روشن بوده که بر همه ارکان آن تسلط داشته‌اند.

۴. استفاده حداکثری از نیروها: یکی از علل موفقیت حزب‌الله را می‌توان استفاده حداکثری از حداقل نیروها دانست؛ به‌طوری‌که این گروه با برنامه‌ریزی دقیق و ساماندهی نیروی انسانی، منابع و تجهیزات خود برنامه‌هایش را به‌سمت افزایش بهره‌وری بر اساس امکانات پیش می‌برد.

۵. توان بالای اطلاعاتی و امنیتی: بسیاری از نیروهای حزب‌الله ضمن انجام مسئولیت خود، در عملیات‌های اطلاعاتی نیز مشارکت دارند و در جای‌جای منطقه غرب آسیا و در هر کجای جهان که منفعی دارند، فعال‌اند. به نظر اکثر کارشناسان، این حزب دارای یکی از پویاترین [منابع] اطلاعاتی و امنیتی غرب آسیاست. این کار را از راه نفوذ سازماندهی شده به جمع‌ها و محافل خود و هم‌پیمانانش در محور مقاومت انجام می‌دهد که توان مدیریت فتنه‌های پیش رو را به این حزب می‌دهد.

۶. توان نهضتی و نظامی: ارزیابی توان نظامی این حزب بسیار پیچیده است و بسیاری از عملیات‌های نظامی آن به‌صورت محرمانه دنبال شده و تنها بعد از اجرایی شدن، رسانه‌ای می‌شوند. رژیم صهیونیستی و متحدان عربستان سعودی در لبنان به‌صورت جدی به جنگ با حزب‌الله یا دست‌کم، حمله به تأسیسات این حزب و سایر اهداف نظامی فکر می‌کنند. این تفکر از زمان تأسیس آن تاکنون، به‌طور جدی وجود داشته و بارها اقداماتی در این زمینه انجام گرفته است. اما آنچه این رویارویی را به تعویق انداخته است تا جایی که این سناریو را دور از ذهن کرده، توان نهضتی و نظامی حزب‌الله است.

۷. ایجاد فضا برای رقبا و عدم تمامیت‌خواهی: اگر نتوان گفت انعطاف‌پذیری حزب‌الله لبنان در تقسیم قدرت با متحدین و حتی رقبای خود در عالم سیاست بی‌نظیر است، حتماً کم‌نظیر می‌باشد؛ به‌طوری‌که حزب‌الله با توجه به توان سیاسی و نظامی خود، توانایی به‌دست آوردن کل یا بخشی از قدرت سیاسی را در لبنان دارد؛ ولی همواره از تمامیت‌خواهی پرهیز کرده و فضا را برای متحدین و رقبای سیاسی خود باز گذاشته است تا پویایی سیاسی در صحنه لبنان حفظ شود. همین امر موجب قابل اعتماد بودن این حزب در میان اکثر احزاب و گروه‌ها و حتی مردم سایر طوایف در لبنان

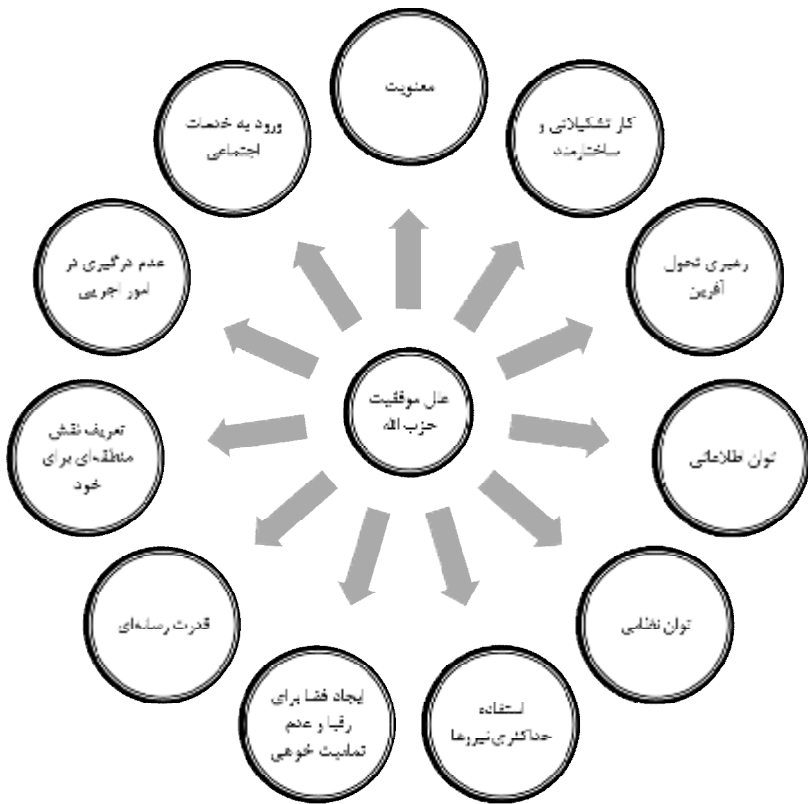
شده است.

۸. قدرت رسانه‌ای: رهبران حزب‌الله بر نقش رسانه‌ها در جامعه بسیار تأکید دارند و همواره برای بیان مواضع خود به منظور اطلاع‌رسانی، تنویر افکار عمومی، جلب نظر مسئولان و سیاست‌مداران در قالب نوشتن مقالات و مصاحبه از آن بهره می‌برند و با ایشان رابطه بسیار خوبی برقرار کرده‌اند.

۹. تعریف نقش منطقه‌ای برای خود: یکی دیگر از علل موفقیت حزب‌الله در مدیریت نظام سیاسی، نگاه راهبردی این حزب و تعریف نقش منطقه‌ای برای خود است. نگاه راهبردی و توسعه نقش حزب‌الله علاوه بر افزایش قدرت همه‌جانبه آن، موجب فعالیت در محدوده بسیار پهناورتری نسبت به بعد داخلی شده است تا علاوه بر حفاظت از منافع خود با مشارکت در مواجهه و حل مشکلات، توانایی و ظرفیت خود را در ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و مسئول برای حفظ محور مقاومت نیز به نمایش بگذارد و بر اقتدار و عزت خود در عرصه بین‌المللی بیفزاید. این امر بر اعتماد به نفس درونی حزب‌الله و همچنین مردم لبنان افزوده است؛ لبنانی که عموماً ضعیف تصور می‌شود، قدرت بازیگری منطقه‌ای را از طریق حزب‌الله پیدا کرده است.

۱۰. احاله مسئولیت اجرایی به متحدان داخلی: یکی از علل موفقیت حزب‌الله در مدیریت نظام سیاسی را می‌توان عدم درگیری در امور اجرایی و دولتی دانست؛ زیرا این حزب با تعریف خود به‌عنوان گروه مقاومت، هدفش را مبارزه و مقابله با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی قرار داده است و اگر در امور عادی و روزمره اجرایی، خود را درگیر کند، از هدف اصلی‌اش باز می‌ماند؛ به طوری که در عرصه حکومت‌داری اگرچه نظرات خود را اعلام می‌کند، ولی این امور را به متحدان خود واگذار می‌کند. البته هرچند حزب‌الله سعی کرده است از ورود به امور اجرایی و حکومتی خودداری کند، ولی این امر مانع از ارائه خدمات اجتماعی در قالب خدمات زیربنایی، آموزشی، درمانی، فرهنگی، شهری و روستایی به مردم لبنان نشده است و این امور را در تکمیل و نارسایی اقدامات دولت انجام می‌دهد؛ تا جایی که مناطق تحت پوشش اقدامات اجتماعی حزب‌الله از نظر مدیریت، وضعیت بهتری نسبت به مناطق دیگر دارند. برای مثال، در بحران اخیر زباله‌ها در بیروت، منطقه ضاحیه با مدیریت حزب‌الله مشکلات کمتری نسبت به مناطق دیگر داشت.





نتیجه‌گیری

انتخابات سراسری ۲۰۲۲ لبنان، در یک بستر بحرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با دخالت آشکار خارجی برگزار شد و نتایج آن نشان‌دهنده تثبیت محور مقاومت در این کشور بود. طرف‌های رقیب همچون آمریکا و عربستان سعودی سعی داشتند با قدرت سیاسی و رسانه‌ای، با برسازنی نقش بی‌ثبات‌ساز محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران، به تخریب گروه‌های مقاومت، به‌ویژه جنبش حزب‌الله بپردازند. این در حالی بود که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از متحدان گروه‌های مقاومت در لبنان از یک‌سو، بر اساس راهبرد دائمی خود، یعنی عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر از این‌کار پرهیز می‌کرد و از سوی دیگر، با اعتماد به توانمندی سیاسی و امنیتی متحدان خود به‌خصوص حزب‌الله لبنان در پیگیری منافع داخلی و نهضتی، نه‌تنها در این انتخابات

دخالتی نداشت، بلکه نیازی هم به این دخالت نمی‌دید.

با توجه به پیامدهای انتخابات ۲۰۲۲ لبنان و آثار احتمالی آن در حوزه کنشگری محور مقاومت و همچنین اقدامات بازیگران رقیب همچون آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی، اتخاذ راهکارها و تقویت راهبردها در مواجهه با این پدیده‌ها و موضوعات ضروری به نظر می‌رسد.

نخست، با توجه به اهمیت لبنان در محور مقاومت، عناصر مختلف این محور باید با رصد دقیق تحرکات بازیگران داخلی و خارجی ضد محور مقاومت در لبنان، به اتخاذ راهبردها و سیاست‌های متناسب اقدام کنند که مهم‌ترین آنها می‌تواند توجه ویژه به حفظ ثبات سیاسی و بهبود شرایط اقتصادی و همچنین افزایش تعامل با جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی لبنان باشد.

دوم، فعالیت گسترده‌تر محور مقاومت و جریانات همسو در عرصه رسانه‌ای و فضای مجازی لبنان، به منظور گسترش تأثیرگذاری و پررنگ‌تر کردن نقش عوامل خارجی در بحران لبنان ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه، تقویت توان سایبری می‌تواند یکی از مهم‌ترین الزامات محور مقاومت باشد.

سوم، تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران از طریق رایزنی با گروه‌ها و جناح‌های سیاسی لبنانی و همچنین استفاده از ظرفیت‌های موجود همچون روابط سیاسی و امنیتی با برخی از جناح‌ها و گروه‌های لبنانی برای تسریع در تشکیل کابینه جدید لبنان، امری ضروری است. در ضمن، فعال شدن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی و کشورهای مختلف برای جلوگیری از تداوم بحران در لبنان و همچنین کاهش فشارهای بین‌المللی احتمالی، مکمل این تحرک دیپلماتیک است.



منابع و مأخذ

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «ساخت دولت امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۴، ش ۳، شماره مسلسل سیزدهم، پاییز.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، «معنویت و نقش آن در مبارزه با دشمن»، فصلنامه حصون، ش ۱۳، پاییز.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «درآمدی نظری بر حل منازعات سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۳، پاییز.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۷)، «جامعه قدرتمند، دولت ضعیف: تبیین جامعه‌شناختی مناسبات دولت - جامعه در ایران عصر قاجار»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۳، پاییز.
- کبرایی‌زاده، حسین و راضیه میرزایی‌فرد (۱۳۹۰)، «از امنیت لویاتانی تا امنیت نرم؛ لزوم مفهوم‌سازی امنیت نرم در عصر قدرت هوشمند»، ماهنامه روابط فرهنگی، س اول، ش ۴، دی.
- کوشکی، شیرین و مهدی خلیلی‌فر (۱۳۸۹)، «نگرش مذهبی و منبع کنترل»، فصلنامه اندیشه و رفتار، دوره چهارم، ش ۱۵، بهار.
- مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۰)، «امام(ره)، دولت و جوانان»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۳، ش ۲، تابستان.
- الدولیه للمعلومات ش.م.ل. (۲۰۰۹)، نواب لبنان والانتخابات النيابیه اللبنانيه: ۱۹۶۰-۲۰۰۹، بیروت: دارالنهار للنشر.
- عبدالحی (۱۹۹۴)، هناء صوفی، النظام السياسی و الدستورى فى لبنان، بیروت: الشركه العالمیه للکتاب.
- قرما خوری (۱۹۸۹)، یوسف، الطائفیه فى لبنان: من خلال مناقشات مجلس النواب ۱۹۲۳-۱۹۷۸، بیروت: دار الحمراء.
- المعلوف (۱۹۹۷)، عیسی اسکندر، المسأله الطائفیه فى لبنان: الجذور والتطور التاريخی، بیروت: دارالحمراء للطباعه والنشر.
- الناشف و الهندی (۱۹۹۸)، انطوان و خلیل، الانتخابات النيابیه فى لبنان، طرابلس: المؤسسه الحدیثه للکتاب.
- نویهض (۱۹۹۶)، بیان، تطور النظام الدستورى والسیاسی اللبنانى: ۱۹۲۰-۱۹۹۵، بیروت: مؤلف.
- Lijphart (۱۹۹۴), Arend, Electoral Systems and Party Systems: A Study of Twenty-Seven Democracies: ۱۹۴۵-۱۹۹۰, Oxford: Oxford University Press.
- Migdal (۱۹۸۸), Joel S., Strong Societies and Weak States: State-Society Relations and State Capabilities in the Third World, Princeton, NJ.: Princeton University Press.
- «وزیر اقتصاد لبنان: به‌دنبال اخذ وام ۴ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول هستیم»، خبرگزاری شفقنا، ۲ بهمن ۱۴۰۰، قابل دسترسی در: <https://fa.shafaqna.com/?p=۱۳۰۲۷۸۷>.
- Trading Economics, Lebanon, ۲۰۲۱, Available at: <https://fa.tradingeconomics.com/lebanon/government-budget-value>.

